

پیوندهای زیستی

دکتر صادق مبین

آنچه از کلمه محیط در ذهن مستفاد میگردد محدوده‌ای است که در آن یکده موجودات زنده و پدیده‌های غیر زنده بكمك يکرشته پيوندهای غذائی و مکانی هبيستگی كامل داشته و در روابط آنها همواره نوعی تعادل نسی برقرار می‌باشد.

این محدوده ممکن است در قالبی هرچه کوچکتر یعنی مثلاً یک قطره آب و یا در مقیاس هرچه بزرگتر مانند یک اقیانوس مورد نظر باشد تا جائی که کره زمین با تمام عناصر زنده‌گیاهی و جانوری خود یعنی زیما سیه (Biosphère) بزرگترین محیط زیست یعنی جهان زندگی را بوجود می‌آورد.

از دیدگاه علمی محیط‌بست عبارت از گنرگاهی است که سیر از ری از سطحی به سطح دیگر و از حالت به حالت دیگر در این رهگذر امکان پذیر بوده و زنجیره حیات با مکانیسم ویژه خود پیوسته در مسیر آن پیش می‌ورد بنابراین از یکسو شامل سازندگان اصلی خمیر مایه زندگی یعنی گیاهان سینی‌نده‌دار است که جریان از ری از سر چشم خورشید آغاز کرده و لایه بنیادی حیات را ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر شامل موجودات گیاهخوار و گوشتخوار است که از ری از ریافتی را در صور گوناگون آن از خود عبور داده وسطوح دیگر میرسانند. در نقطه نهائی این رهگذر انسان و پاره‌ای از مصرف کنندگان جایگزین هستند.

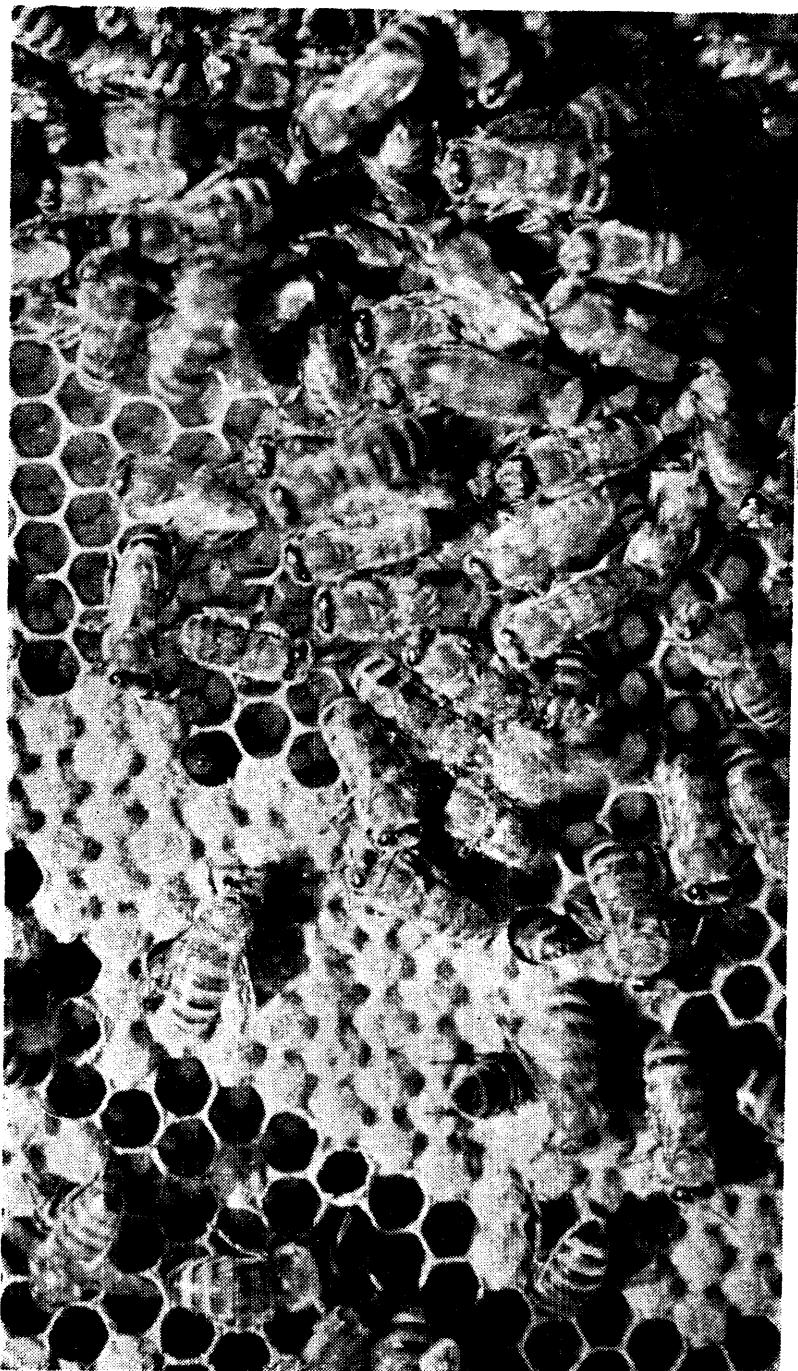
با یک دید واقع بینانه و با در نظر گرفتن پیوندهای غذایی و مکانی درسطوح مختلف زندگی و انتلاق آنها بریکدیگر هرمی ترسیم می‌گردد که بینان آن برپهنه گستردگی پوشش گیاهی استوار بوده و مصرف کنندگان دیگر اشکوبهای بالاتر این هرم را اشغال کرده‌اند این هرم زندگانی یا هرم اکولوژیکی نامیده شده است که انسان و گاهی یک موجود مصرف کننده دیگر بر فراز این زندگانی جای گرفته‌اند.

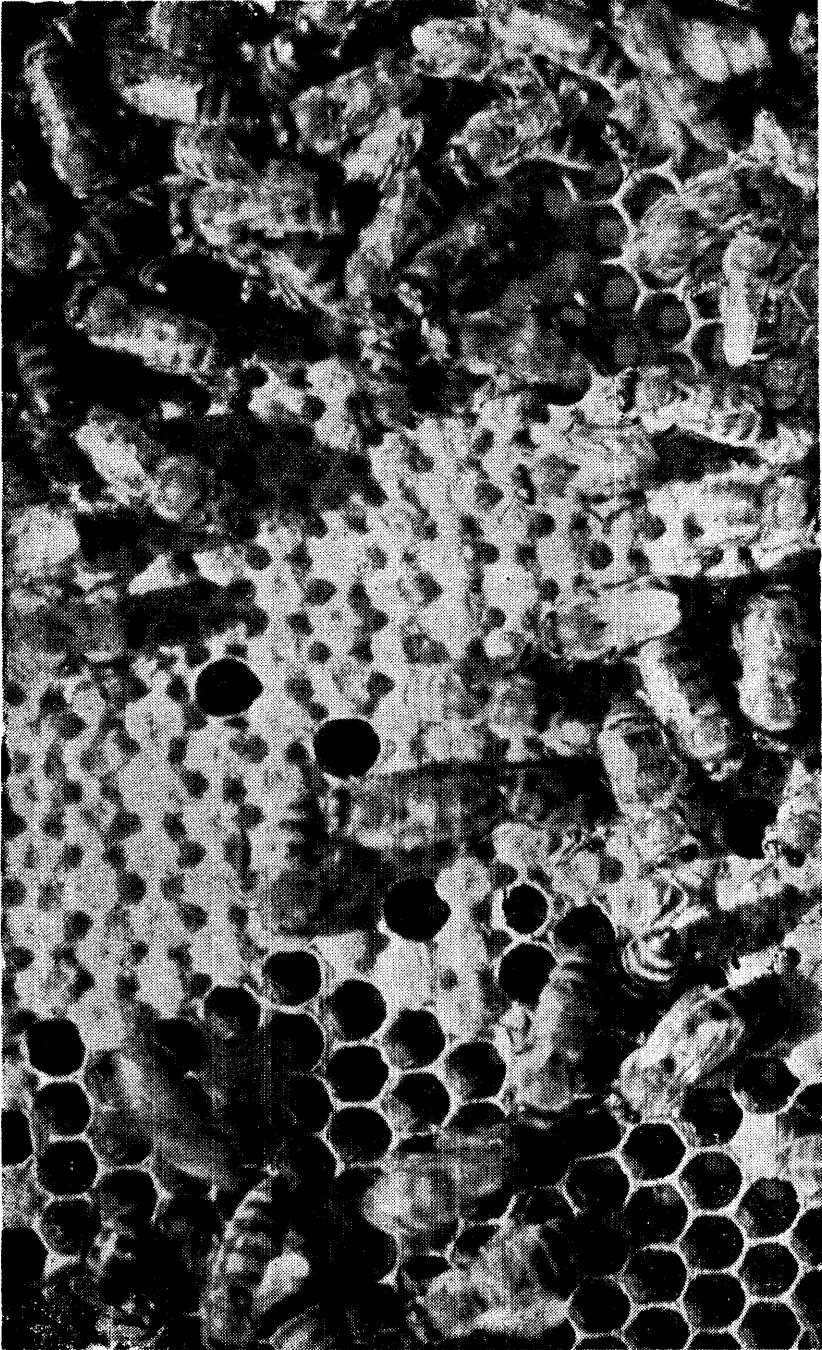
با توجه به مطالب گفته شده مجموعه پیوندهای موجود بین پدیده‌های یک محیط یک سیستم اکولوژیکی یا یک اکوسیستم را بوجود می‌آورد که از یکطرف شامل تمام موجودات زنده یعنی بیوم (Biome) بوده و از طرف دیگر کلیه مواد بیجان یعنی اکوتونپ را (Ecotope) شامل است و چنانکه گفته شد یک سلسله روابط در هم و پیچیده‌ای درون هر اکوسیستم برقرار است که تظاهر زندگی را در چهارچوب قوانین معینی کارگردانی می‌کند.

تاروپود زندگی در هر اکوسیستمی آنچنان بهم تاییده شده است که گاهی کمترین دخالت نامطلوب و بسیار ویه ممکن است ارکان این بنیاد استوار را متزلزل سازد و از این راه اساس زندگی و بینان هستی را درهم فرو ریزد.

اتولوژیست و محیط‌شناس فردی است که با یک رشته معیارهای علمی عوامل سازنده محیط را مورد شناسائی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و روند تکامل یا سیر قهقهائی اکوسیستمهای طبیعت را مطالعه می‌کند تا براساس دانش و بینش کافی که از تکوین طبیعت حاصل کرده است خطوط‌بهره‌برداری واستحصال از این منبع حیاتی را بر طبق اصول و قوانین طبیعی ترسیم می‌نماید.

با توجه بسیر شتاب‌آمیز زندگی و گسترش هم‌جانبه صنایع سنگین که همواره با تولید فرآورده‌های زیان‌بخش همراه می‌باشد تعادل محیط با آهنگی سریع برهم می‌خورد و آرامش





زندگی و آسایش بشر مستخوش نگرانی و نومیدی میگردد بدین مناسب و بمنظور اعاده امید که منشاء ادامه زندگی است ضرورت یک تحول اساسی برای تعیین یک خط مشی بنیادی در راه حفظ طبیعت بصورت یک حساسیت همگانی جلوه گر شده و افراد بشر و آنان که خطر را احساس میکنند خواستار جدی آن هستند که در ساختن دنیای فردای خود یعنی یک دنیای سالم نقشی داشته باشند و با تمام نیروی خود میکوشند تا سهل انگاری و ندانیم کاریهای گفتگان را که ناخودآگاه زندگی خود را به تنگای غم انگیز تباھی کشانیده اند مهار کنند.

بنابر آنچه گذشت محیط‌زیست شامل مجموعه عناصر سازنده طبیعت است که بخشی از آن قابل رویت و لمس شدنی بوده و در آن پدیده‌های طبیعی ممکن است شکل جامد یا مایع یا حالت گازی داشته باشند بخش دیگر غیر قابل لمس است که بر اثر تحولات پدیده‌های قابل لمس بوجود می‌آید و با حصول شرایطی میتواند شکل قابل رویت بخود گرفته و لمس شدنی گردد. عبارت دیگر ماده و انرژی خمیر مایه اصلی تکوین محیط هستند که در عین حال سوت خاتم جهت تظاهر حیات را تأمین کرده و با گروه موجودات زنده در ارتباط و همستانگی دائمی میباشد. بنابراین موجودات زنده ساخته و پرداخته همین عناصر بوده کش و واکش بین این دو دسته پدیده‌های طبیعی است که جلوه‌های زندگی را متجلی می‌سازد. بدینه است مادام که خمیر مایه محیط بقدیر کافی پخته و آماده نگشته و تعادل لازم درین اجزاء تشکیل دهنده آن برقرار نگردد تظاهر زندگی در آن امکان‌پذیر مخواهد بود و در اینصورت است که محیط را بنام محیط نازا یا (Abiotique) معروفی میکنیم هرگاه که شرایطی مساعد در بستر خمیر مایه مزبور بوجود آید کم کم موج زندگی در خمیر مزبور پای گرفته و آثار حیات در آن ظاهر میگردد و با کسب چنین مشخصاتی است که محیط زیست بوجود می‌آید و هر گونه دستبرد ناشیانه که منجر به تغییر تعادل آن گردد ممکن است نظام زندگی را در هم ریزه و تار و پود هستی را از هم بگسلد و بهمین نظر همواره باچشی باز و روحی آگاه باید موازنه طبیعت را در نظر بگیریم و در حفظ تعادل و بهبود عوامل سازنده آن و حمایت از سلامت محیط زندگانی خود استقامت ویابداری نمائیم.

شاره شد که از انطباق سطوح مختلف زندگی هرم اکولوژیکی، یا هر تغذیه بوجود میاید که لایه بنیادی آنرا خود کارترین و سازنده‌ترین گروه موجودات زنده یعنی گیاهان سبز تشکیل میدهند و سطوح بالائی آن که در پیک آنها نیروی زندگی از سطحی بالاتر سیر میکند از جانوران گیاهخوار و گوشتخوار تشکیل یافته است که انسان یا گاهی بعضی جانوران



طیعت بوده و با ذخایر طیعت سرو کار دارند بگفت و شنود بشینند و تا آنجا که ممکن است شرط بالغ را بجای آورده این گوشهای از رسالت دانشگاهیان است که با تشکیل گروه بررسی مسائل ایران مربوط به محیط‌زیست و منابع طبیعی بطور دائم در تلاش و اماعن نظر هستند و بهمین مناسبت در تأمین فضای قابل زندگی تهران و شهرهای دیگر ایران نیروی انسانی این گروه بکار گرفته شده است. کمال مطلوب است که چنین تلاش دلسوزانه و ارائه طرحای مشفقاته در نظر صاحب منصبانی، که محور چرخ تحولات مملکت و کلید دروازه مدنیت بزرگ بمنظور پیشبرد منویات آریامهری به آنها سپرده شده است با عمق نظر و دید بی‌توجهی و عدم آشناشی بنظام حساب شده طبیعت و بهم ریختن تعادل آن حیات خود را بمختاره اندازد. جای خرسنده است که اسان امروز کم و بیش به راز تکوین طبیعت و تکامل آن تا جاییکه شایسته تجلی زندگی باشد بی‌برده و سنتگینی باز محیط را بر روی شانه‌های خود احساس می‌کند. بیدار و هشیار موج خرایها و ویرانگریها را در قالب علمی و منطقی مهار می‌کند، و دامن بهسازی والتیام بخشی را در عرصه پهناور محیط روز بروز گسترش می‌بخشد. این وظیفه هر انسان دلسوز و آگاه است که در صیانت خانه خود و در حفظ آبادی و عمران کاشانه خود و دیگران احساس مسئولیت کند، و با بکارستن نیروی تفکر و اندیشه‌خلاق خود راههایی که می‌شناسد و یا چاره‌هایی که می‌اندیشد در پیش پای بشریت بگذارد، و با آنانکه پیوسته در برخورد با

رأس هرم مزبور را اشغال کرده و آخرین مصرف کننده فرآورده‌های جاندران را بوجود می‌آورد هر موجودی که بر فراز این هرم جای می‌گیرد خمیر مایه هستی خود را از دست آورده‌های سطوح زیرین خود فراهم می‌سازد. در غالب حالات رأس نشین این هرم حیاتی خود انسان است که بگفته سعدی: (ایر و باد و مهو خورشید و فلك در کارند) تا انسان فراز نشین نانی بکف آورد ولی بغلت نخورد و چه کوتاه نظری که از این همه مواهب که به دسترنج گران طبیعت تهیه شده و به رایگان در دسترس این انسانهای نازپرورده قرار می‌گیرد غافل گردید و با چنین غفلتی پایه استوار و گسترده هرم زندگی خود را پایمال کند و بر اثر بی‌توجهی و عدم آشناشی بنظام حساب شده طبیعت و بهم ریختن تا جاییکه شایسته تجلی زندگی باشد بی‌برده و سنتگینی باز محیط را بر روی شانه‌های خود احساس می‌کند. بیدار و هشیار موج خرایها و ویرانگریها را در قالب علمی و منطقی مهار می‌کند، و دامن بهسازی والتیام بخشی را در عرصه پهناور محیط روز بروز گسترش می‌بخشد. این وظیفه هر انسان دلسوز و آگاه است که در صیانت خانه خود و در حفظ آبادی و عمران کاشانه خود و دیگران احساس مسئولیت کند، و با بکارستن نیروی تفکر و اندیشه‌خلاق خود راههایی که می‌شناسد و یا چاره‌هایی که می‌اندیشد در پیش پای بشریت بگذارد، و با آنانکه پیوسته در برخورد با